

### متن پرسش

با سلام. سوالی مدتی است ذهن مرا به خودش مشغول کرده است و اذیتم می کند. ببینید، اگر عصمت ائمه موهبتی الهی است (تا آنها وظیفه شان را به درستی انجام دهند و الگوی کاملی در همه شئون برای انسان ها باشند) و نیز علم و دانایی آن ها به اراده خداوند است (و باز نیز به جهت وظیفه ای است که دارند) و در مقام شهود مطلق و توحید خالص هستند (بدون اینکه تلاشی کرده باشند، مانند یک سالک آن هم برای سال های بسیار) پس ائمه چه فضیلتی دارند؟ چرا برای آن ها آنقدر احترام قائل هستیم، همه چیز را که به رایگان به آن ها داده اند. آقای طاهر زاده، منزلت و فضیلت یک سالک (که تلاش می کند و در پی مصونیت از زشتی است و به دنبال کسب علم) بالاتر است یا امام؟ در آخرت مقام یک کارگر ساده که به علل محیطی و خانوادگی نه درس خوانده نه درک عمیقی دارد و فقط می دانسته خدایی هست و باید نماز خواند و گناه نکرد، بالا تر است یا امام؟ بالاخره این کارگر باید در مقامی باشد که امام در آخرت هست یا نه؟ مقام حضرت خدیجه بالاتر است یا همسر یک روحانی که در یک روستای دور افتاده به او کمک می کند و برایش همسری میکند تا آن روحانی به چند روستایی قرائت حمد و سوره یاد دهد؟ منظور من از مقام همان کشف ها و شهود هایی هست که قرار است داشته باشند همان علوم حقیقی است که قرار است به آن ها داده شود همان مقام همنشینی و رویت خداوند است همان مقام فنا در خداوند است. بگویید فضیلت امام در آخرت به آن کارگر چیست؟ و چرا؟ سوال اساسی تر این است که اصلا مگر امام و پیامبر فضیلتی هم دارند؟ فرض کنید به شما مقام عصمت بدهند هر وقت بخواهید چیزی بدانید بدانید حجاب ظلمانی و نورانی نداشته باشید، خب بندگی می کنید دیگر! خب فقط الله الله می گوید دیگر. مگر غیر این است؟ اگر قرار است به کسی احترام گذاشته شود آن فرد آن کارگر است دیگر؟ نه امام. این سوالات مرا رنج می دهد خیلی هم صادقانه و بی ریا پرسیدم بدون ترس یا احترام دروغین یا الان کفر گفتمی و از دین خارج شدم و ...!

لطفا جوابی بدهید که دوباره سوال نپرسم. ممنون

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: به طور مختصر می توانم عرض کنم که عصمت امام، اختیار را از امام ساقط نمیکند، چون محور عصمت امام علم یقینی و شهود ملکوتی اوست، یعنی از بس زشتی گناه برای امام روشن است از آن دوری میکند و عظمت امام، به ماندن در این عصمت است و نگهداشتن خود حتی از کوچکترین لغزش، عبادات و مناجاتهای امام وسیله ی حفظ این عصمت است. آنان استغفار میکنند

تا با نوری که نصیب آنها میشود، گناه سراغشان نیاید. یعنی استغفار آنها برای دفع گناه است (استغفارٌ لِلدَّفْعِ) و استغفار بقیه ی مؤمنین برای رفع گناهانی است که مرتکب شده اند (استغفارٌ لِلرَّفْعِ). در هر صورت امیال نفس اماره مثل سایر انسانها در امام هست، امام با نور یقین و همّت بلند خود آنها را زیر پا میگذارد، کمال امام آن است که توانسته است عصمت خود را حفظ کند. موفق باشید